

تبصره مختصر بالای تحلیل محترم مستمند صاحب

نوشته هموطن عزیزم محترم آقای شاه محمود مستمند را در صفحه تحلیل های پورتال ملی گرا و وزین افغان جرمن آنلاين زیر عنوان «نجاتگران غارتگر و تجزیه گران ترسو» با نهایت علاقه مندی و دقت خواندم. همانگونه که سیر باغ و بوستان و مشاهده مناظر دلفریب طبیعت لذت بخش است بهمان پیمانہ و حتی بیشتر از آن سیری در اندیشه های وطندوستانه و ملی گرایانه یک وطندار عزیز مایه تقویه روح و روان و برای آنانی که عطش شنیدن و خواندن حقایق شفاف را دارند موجب تسلیت خاطر است. اظهار نظریکه از تعصبات گوناگون و گرایش های متنوعه عاری و مطلقاً مبتنی بر حقایق باشد واقعاً قابل پذیرش بوده آموزنده، نیکو و شایسته است.

تجارب غنی سالیان دراز ایام غربت خوشبختانه از خواندن ها و شنیدن های فراوان توانمندی قضاوت سالم را در مجموع میسر گردانیده که انسان به سادگی میتواند درک نماید که قصه در کجاست انگیزه های گفتار و نوشته چیست کی باسیاب کی آب می ریزد و کی در دفاع از فرد و گروه دسته و حزبی می برآید. و در کدام موارد منافع غیر مشروع مشترک مطرح بحث است.

من معرفت شخصی با نویسنده محترم ندارم ولی با نظریات و افکار شان از طریق همین رسانه تا حدی آشنا هستم، اما صادقانه به عرض می رسانم که عالی نوشته اند و به یقین کامل احساسات شریف و مقدس یک افغان دلپسته به وطن را با شیوه و سبک بی نهایت سلیس و روان و مستند تبارز داده اند. آنچه من از این تحلیل برداشتم همه بیان حقایق بود. خوشبختانه که تعداد کثیر نویسندگان این پورتال اندیشه ملیگرایانه همگون دارند که همه الحمدالله منابع و مؤخذات مفید آموزندگی است.

در قسمت اخیر تحلیل خود محترم مستمند صاحب نقل قولی از کتاب هموطن دانشمند دیگری پیرامون آخرین تلاشهای داکتر نجیب الله نموده اند که من در زمینه سخت محتاج رهنمایی استم. صادقانه آرزو دارم که بدانم آیا مساعی واپسین و آخرین سردمدار رژیم کمونیستی افغانستان بر پایه منافع ملی وطن استوار بود و یا اینکه آخرین تلاش های مزورانه شوروی برای بقای نفوذش درین قلمرو بود. با شناخت کامل و مستند از سوابق و مشاغل و اعمال این گماشته استعمار روسیه شوروی آیا میتوان انتظار چنین وطن خواهی، بشر دوستی و صلح طلبی را داشت. آیا این ملیگرایی ها در واپسین رمق استعمار شوروی تلاش های مذبحخانه استعماری نبود. آیا واقعاً داکتر نجیب در صدد نجات وطن و ایجاد یک دولت خود مختار و مستقل بود.

از ترکیب اعضای کابینه داکتر حسن شرف میتوان نتیجه گرفت که برای عملی ساختن طرح های شوروی صرف به منظور عوام فریبی زمینه رویکار آمدن یکعده عناصر مرتجع، فرصت طلب، و سست عنصر که با هر دوره سر جنبانیده بودند بنام اشخاص ملی و بی طرف مهیا گردید.

هموطن عزیز اگر شما دلایل قناعت بخش و محکم برای رد برداشت من دارید لطفاً مرا تدریس فرمائید. شاید شما اسناد و مدارک قویتر داشته باشید که در زمینه ارائه نمائید. بهتر است این سؤال ها جواب داده شود. البته که با خونسردی، ملایمت و عالمانه.

با پذیرفتن واقعیت تلخ حوادث، جنایات و خونریزی های بعد از سقوط نجیب الله فکر می کنم این دوره خاص تاریخ که حاکی از مساعی نجیب الله برای ایجاد یک نظام وسیع البنیاد بر مبنای حرکت آشتی ملی بود واقعیت، صداقت و اندیشه منافع ملی در آن نیازمند بحث عالمانه و آفاقی است. مخصوصاً که بعضی وی را فرشته نجات می شمارند. آیا واقعاً فرشته نجات بود یا همان قصاب در نقش فرشته.

پایان